پیشخوان

نظری و گذری بر اثر تاریخی «شرح حال آیت‌الله العظمی اراکی»

یادگار علمی مؤسس حوزه علمیه قم

■ شاهد توحیدی

اثر موجزی که هم اینک و در سالروز ارتحال مرجع فقید عالم تشیع، مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی (قدس الله اسراره) به شما معرفی می‌گردد، جزوه‌ای است که پس از ارتحال ملکوتی آن بزرگوار، به همت مؤسسه در راه حق نشر یافت و به عنوان آغازین یادنامه آن فقید سعید، تقدیم علاقه‌مندان گشت. این تجلیل‌نامه، دربردارنده چند گفت و شنود تاریخی با آیت‌الله‌العظمی اراکی و نیز شرح حالی از آن فقیه والامقام بود. در دیباچه کوتاه این یادمان آمده است:

«شرح حال و زندگانی مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی، کتابی چند برابر این جزوه که در اختیار شماست می‌طلبد و بحمدالله این کار توسط یکی از اساتید حوزه علمیه قم که از شاگردان آن مرحوم است در دست انجام است و به خواست خدا تا دومین سالگرد رحلت آن بزرگوار منتشر خواهد شد. رساله حاضر کامل‌شده مقاله‌ای است که در مجله پیام حوزه به چاپ رسیده بود و امید است این عرض ادب مورد قبول افتد و موجب مزید توفیق نویسنده و خوانندگان شود.» کتابی که در این مقدمه به آن اشارت رفته، به قلم حضرت آیت‌الله استادی در دومین سالگرد رحلت آیت‌الله‌العظمی اراکی نشر یافت و در سال‌های بعد نیز به شکل متفاوتی تجدید چاپ شد. در فصل اول اثری که از آن سخن می‌رود، در مقاله‌ای در باب خصال علمی و عملی آیت‌الله آمده است:

■ دائم‌الذکر بودن

مرجع فقید همواره از اوقات خویش بهره می‌برد. مطالعه، تدریس و عبادت بخشی از کارهای روزانه وی را تشکیل می‌داد. ایشان از خانه که به مدرسه فیضیه برای تدریس می‌آمدند در طول راه یا به پاسخ پرسش‌های شاگردان می‌پرداختند یا به ذکر خداوند مشغول می‌شدند و هیچ کاری ایشان را از ذکر الهی باز نمی‌داشت.

آیت‌الله شیخ ابوالحسن مصلحی فرزند آیت‌الله اراکی در کنار

■ نظم و ترتیب

ایشان در زندگی فرد بسیار منظمی بودند، اهل زیاده‌روی، افراط و تفریط نبودند و تا چند سال پیش لب به چای نمی‌زدند و تا حد امکان از دارو استفاده نمی‌کردند و از پدرشان نقل می‌کردند که گفته بود: «حتی‌المقدور باید از داروهای شیمیایی پرهیز کرد.» معظم‌له بین دو وعده غذا مطلقاً چیزی نمی‌خوردند.

■ انس با قرآن

معظم‌له با قرآن و تفسیر جوامع‌الجامع انس غریبی داشتند و پنج جزء اول قرآن را حفظ بودند. هر روز یک جزء قرآن و در ماه مبارک رمضان روزی سه جزء قرآن را تلاوت می‌کردند.

■ عبادت و تهجد

تهجد، گریه و زاری و مناجات نیمه‌شب، مداومت بر نوافل و دعای کمیل از عادات مستمر ایشان بود. در هنگام اقامه جماعت، نماز را طول می‌دادند. بسیاری از مأمومین می‌گفتند: «رعایت حال اضعف مأمومین لازم است، قنوت، رکوع و سجود را مختصر کنید.» آقا می‌فرمودند: «من اضعف از خود سراغ ندارم.» این نماز مختصر ایشان بود که در جماعت می‌خواند، اما در خانه نمازشان خیلی طولانی بود.

■ پرهیز از افتا و مرجعیت

زهد و تقوای ایشان به‌گونه‌ای بود که با آماده کردن شرایط مرجعیت مدت ۳۰ سال از مرجعیت دوری گزیدند و تنها به تدریس پرداختند. نقل می‌کنند پس از رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ برای بعضی فرموده‌اند پس از آقای بروجردی خود را در میان آقایان قم و نجف اعلم می‌بینم، اما هیچ داعیه‌ای برای تصدی مرجعیت ندارم.

معظم‌له از سر اخلاص، تواضع و برای خدا از مقام، ریاست و مرجعیت گذشت و خداوند هم در عوض او را در سن ۹۸ سالگی به مرجعیت شیعیان رسانید.

■ تواضع

با اینکه از نظر سنی حدود ۱۰ سال از امام بزرگ‌تر بودند، به ایشان خطاب کردند: «السلام علیک یابن رسول‌الله.»

■ علاقه به اهل‌بیت (ع)

به اهل‌بیت به‌ویژه ساحت مقدس اباعبدالله‌الحسین(ع) علاقه خاصی داشتند و به مجرد شنیدن مصائب حضرت اشک غم از دیدگانشان جاری می‌شد.

■ احیای نماز جمعه

ایشان بحق احیاکننده مراسم عبادی نماز جمعه در حوزه علمیه قم بودند و بیش از ۳۰ سال این آیین پرشکوه را در مسجد امام حسن عسگری(ع) قم اقامه کردند و روح و جان صدها عالم و دانشمند متقی را با بیان شیرین خود معطر ساختند.

۱۳۶۰. جماران: دیدار آیت‌الله العظمی اراکی با امام خمینی(ره)

جستارهایی در روایت آیت‌الله العظمی حاج‌شیخ محمدعلی اراکی از اندیشه و عمل رهبر کبیر انقلاب اسلامی

او همواره امام را بر خود مقدم می‌داشت

■ دکتر یعقوب توکلی

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز ارتحال بزرگمردی از تبار مراجع نامدار جهان تشیع است که به رغم مکانت والای علمی، هماره اندیشه و کردار دوست شفیق خویش، حضرت امام خمینی(قده) را بر فکر خود مقدم می‌داشت و این را در ادوار گوناگون حیات، به ویژه در مصاحبه‌های دهه اول انقلاب اسلامی و پیش از احراز مرجعیت بیان می‌داشت. چه عجول و بی‌خبرند گریختگانی که بدون مطالعه شنودهای دهه ۶۰ حضرت آیت‌الله العظمی اراکی با مطبوعات وقت، بر محمل فکر نارس خویش، بیت عنکبوت می‌سازند و عمق بی‌خبری خویش را از پیش پاافتاده‌ترین مدارک تاریخی حیات آن بزرگ عیان می‌سازند. مقالی که پیش روی دارید، در پی روایتی از حیات آن مرجع فقید جهان تشیع است. امید آنکه علاقه‌مندان را مقبول افتد.

■■■

محمدعلی مصلحی به تاریخ ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲ ق، مطابق ۱۲۷۳ ش در شهرستان سلطان‌آباد که به «عراق عجم» معروف بود و بعدها به اراک تغییر نام یافت، زاده شد. در پنج سالگی به مکتب گذارده شد و تحت تربیت برادرش آیت‌الله حاج آقا صابر اراکی ـ که از علما و زهاد اراک بود ـ قرار گرفت و نزد وی ادبیات فارسی را آموخت و گلستان سعدی را استنتاج کرده و پس از آن در نوجوانی بنا به تشویق شوهر خواهرش حجت‌الاسلام عمادی، به تحصیل علوم اسلامی روی آورد.

در سال ۱۳۲۲ مطابق ۱۲۹۳ ش آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سفر دوم به سلطان‌آباد (اراک) حوزه درسی تشکیل داد و شیخ محمدعلی که ۲۰ ساله بود، به درس وی شتافت و در درس خارج فقه و اصول وی شرکت جست و به علت توان علمی و تحصیلی مورد توجه خاص حاج شیخ عبدالکریم قرار گرفت. از مصادیق این توجه این است که اگر کسی در درس حاج شیخ ایراد و اشکالی وارد می‌ساخت، پاسخ آن را به اراکی جوان احاله می‌کرد. وی به مدت هشت سال در حوزه علمیه «اراکیه» در درس خارج حاج شیخ عبدالکریم شرکت کرد و از آنجا که حاج شیخ عبدالکریم، با پدر شیخ محمدعلی اراکی مأنوس بود، روزی در یک مجلس به پدرش میرزا آقای فراهانی گفت: «این پسر شما مرد فاضلی است، من نوشته‌های او را دیدم و حَظ کردم.» در همان مجلس حاج شیخ گفت: «من دلم می‌خواهد این پسر شما را مُعمَم نمایم» و در همان مجلس، شیخ محمدعلی به دست استادش مُعمَم شد.

■ همراه با «استاد عمر» در قم

در سال ۱۳۴۰ ق (۱۳۰۱ ش) آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری دعوت علما و مردم قم برای اقامت در این شهر را اجابت کرد و با خانواده خود و حوزه علمیه اراک به قم مهاجرت کرد. با مهاجرت استاد، محمدعلی اراکی و دیگر شاگردانش نیز به او پیوستند و به قم آمدند. محمدعلی که ۲۸ بهار از عمرش گذشته بود در مدرسه «خان» اقامت گزید و فعالانه در کلاس‌های درس استاد شرکت جست. او در سال‌های تحصیل نزد حاج شیخ عبدالکریم که جمعاً ۲۳ سال (۱۳۲۲ ق ـ ۱۳۵۵ ق) طول کشید با شرکت در درس خارج فقه اصول، بیش از بقیه شاگردان به تحریر درس‌های استاد همت گماشت. حاج شیخ عبدالکریم به علت علاقه خاص به ایشان و مقام علمی ایشان، بازبینی کتاب «الصلوه» خود را به وی و آیت‌الله العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی واگذار کرد و بخش‌های اعظم این اثر، از نوشته‌های ایشان است. آیت‌الله اراکی علاوه بر فقه و اصول در محضر درس اخلاق و عرفان آیت‌الله میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (۱۳۴۳ ق) یکی از عرفا و معلمین اخلاق برجسته قرن اخیر حاضر شده و از نصایح و ارشادات معنوی و اخلاقی ایشان بهره‌مند شدند. در سال ۱۳۵۴ ق پدرش میرزا فراهانی در یکصد سالگی درگذشت و در سال بعد در ۱۷ ذی‌العقده ۱۳۵۵ حوزه علمیه قم در سوگ استاد مؤسس نشست. با درگذشت حاج شیخ، آیت‌الله العظمی اراکی به‌رغم بی‌نیازی از تحصیل و به منظور تجلیل از مقامات علمی و معنوی هم‌مباحثه و دامادش آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری، در درس خارج فقه ایشان شرکت کرد. در حالی که به لحاظ رتبه علمی تفاوتی با آیت‌الله خوانساری نداشت. مع‌ذلک به خاطر عشق به سادات و تواضع، در برابر مجتهد مجاهدی که مدتی از عمر خود را در جبهه‌های جنگ با انگلیسی‌ها گذرانده و زمانی نیز در اسارت انگلیسی‌ها برده بود، شروع به تدریس نکرد. با وجود اینکه داشتن حاشیه بر عروه‌الوثقی، به لحاظ علمی از شرایط اصلی احراز مرجعیت تقلید است، ولی آیت‌الله اراکی استفتائات آیت‌الله خوانساری را پاسخ می‌گفت و می‌نوشت و در درس او شرکت می‌جست و پشت سر او راه می‌رفت.

■ جامعیت بین میراث علمی حوزه‌های «نجف»، «کربلا» و «سامرا»

پس از درگذشت آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری در سال ۱۳۳۱ ش (۲۱ شوال ۱۳۷۱ ق) در اثر مراجعه و اصرار شاگردان وی، آیت‌الله العظمی اراکی حوزه تدریس وی را به عهده گرفت و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در بحث فقه، مبحث خارج «نکاح» را که توسط آیت‌الله خوانساری تدریس می‌شد ادامه داد. علاوه بر این سایر وظایف آیت‌الله خوانساری نظیر امامت جماعت را نیز برعهده گرفت. نماز جمعه قم که از چند سال قبل توسط آیت‌الله خوانساری در مسجد امام حسن عسگری (ع) اقامه می‌شد، توسط آیت‌الله اراکی پی گرفته شد و به مدت ۲۸ سال (۱۳۹۹ ق) تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی آن را ادامه دادند و حتی برای یک روز هم آن را تعطیل نکردند. از خصوصیات ویژه آیت‌الله اراکی، جامعیت بین مواریث علمی حوزه‌های نجف، کربلا و سامرا بود که معمولاً هر یک از حوزه‌های مذکور دارای افکار و آرا و تجارب خاصی بودند و آیت‌الله اراکی به علت تحصیل استادش حاج شیخ عبدالکریم، در سامرا و کربلا که آموخته‌های هر دو مرکز علمی را به شاگردانش منتقل کرد و از طرف دیگر به علت شرکت در درس و مباحث و مصاحبت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری که از علمای نجف بود توانست روش‌های مختلف در فقه و اصول اینکه سه مرکز شیعی را یکجا جمع نماید. به همین جهت کلاس درس او یکی از کلاس‌های مشکل و غامض درس خارج فقه و اصول حوزه بود و برای افرادی که تازه به تحصیل در درس خارج مشغول شده بودند عملاً مناسب نبود. حال آنکه برای مجتهدین بسیار مفید و سودمند بوده است.

■ بر محمل زهد و عدالت

زندگی آیت‌الله العظمی اراکی کاملاً زاهدانه و در حد متوسط و با قناعت کامل بوده است. استفاده از غذای بسیار مختصر در حد نان و ماست و آبگوشت و عدم‌استفاده از داروهای شیمیایی مگر در موارد خاص بیماری، سکوت و سخن کم گفتن از خصوصیات بارز وی بوده است و در تقوا و زهد و عدالت ایشان همه علما متفق بودند و همه علما در نماز ایشان حاضر می‌شدند. در تهذیب اخلاق و نزاهت از آلودگی به دنیا و هوس‌های مادی و دنیوی زبانزد خاص و عام بودند و با وجود آماده بودن زمینه مرجعیت به مدت ۳۰ سال، کوچک‌ترین اقدامی در این مسیر انجام ندادند و تنها به تدریس پرداختند و حتی در اواخر عمر می‌گفتند: «می‌ترسم این آخر عمر دچار قید شهرت و این جور چیزها گردم.» او در اجرای وظایف و تکالیف شرعی اعم از فردی و خانوادگی و اجتماعی، عبادات و نوافل و رعایت آداب شرعی نهایت دقت را داشته است.

■ وصف او از «یار دیرین»

قضاوت آیت‌الله اراکی در مورد امام خمینی رحمه‌الله که زمانی یکی از شاگردانش بوده است، یکی از معروف‌ترین قضاوت‌های دوران انقلاب اسلامی درباره امام خمینی(ره) است. وی در این زمینه چنین می‌گوید:

«با حضرت آقای خمینی که یک مدتی در اراک بودند... آشنایی نداشتم، اما آن وقتی که در قم بودیم معارفه تامی پیدا کردیم و یکی از هم‌صحبت‌های بنده بودند. گاهی اتفاق می‌افتاد از منزل تا میدان کهنه قدیم قم نزدیک شاهزادگان حمزه(ع) این راه را دو به دو طی می‌کردیم و ضمن صحبت‌ها و مباحثه‌ها برمی‌گشتیم. آن اوایل که در قم وارد شدم ایشان به من اظهار کرد شما یک درس تفسیر صافی برای من بگویید. تفسیر صافی با اصول فقه و اصطلاحات آن مناسبتی ندارد... مدتی تدریس کردم... ایشان مرد بسیار جلیلی [است] و شناختم او را به جلالت... بسیار مرد پاکی است، پاکی نفس دارد، پاکی ذاتی و درونی دارد و این بر همه خلق معلوم است. ما در مدت ۵۰ سال که با این شخص بزرگ آشنایی پیدا کرده‌ایم جز تقوا و دیانت و شجاعت و شهامت و بزرگی نفس و بزرگی قلب و کثرت دیانت و جدیت در علوم عقلی و نقلی و مقامات عالی و... در او نیافتیم. مردی باتقوا، به تمام معنا و مردی فداکار اسلام به تمام معنی، این مرد قد مردانگی علم کرد، به طوری که محیّرالعقول بود؛ او (امام خمینی) جان در کف دست گذاشته است و در مقام تبلیغ قرآن و دین حنیف اسلام جانبازی می‌کند، جان در کف گذاشته و حاضر برای شهادت شده است. خداوند یک قوه غیبی در این مرد خلق فرموده که همچون قوه‌ای که به ایشان داده به احدی نداده است. او مانند جدش علی بن ابیطالب (ع) است. داستان عمرو بن عبدو را شنیده‌اید... یک چنین جرئتی را خداوند به امیرالمؤمنین (ع) داده بود، حالا فرزندش نیز این طور است. این همه عمرو بن عبدوها در دنیا نعره می‌زنند و فریاد می‌کنند، ولی ابداً ترسی ندارد. این چه شجاعتی است خداوند به او داده است... یک چنین کسی کمیاب است، کم‌نظیر است و نظیر ندارد.»

آیت‌الله العظمی اراکی به رغم مکانت والای علمی، هماره اندیشه و کردار حضرت امام خمینی(قده) را بر فکر خود مقدم می‌داشت و این را در مصاحبه‌های دهه اول انقلاب اسلامی و پیش از احراز مرجعیت بیان می‌داشت. چه عجول و بی‌خبرند گریختگانی که بدون مطالعه شنودهای دهه ۶۰ آن بزرگوار با مطبوعات وقت، بر محمل فکر نارس خویش، بیت عنکبوت می‌سازند و عمق بی‌خبری خویش را از پیش پاافتاده‌ترین مدارک تاریخی حیات آن بزرگ عیان می‌سازند

مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی: «او (امام خمینی) جان در کف دست گذاشته است و در مقام تبلیغ قرآن و دین حنیف اسلام جانبازی می‌کند، جان در کف گذاشته و حاضر برای شهادت شده است. خداوند یک قوه غیبی در این مرد خلق فرموده که همچون قوه‌ای که به ایشان داده به احدی نداده است. او مانند جدش علی بن ابیطالب (ع) است»

یکی از برخوردهای معروف ایشان به حضرت امام خمینی ملاقات در جماران است. وقتی که آیت‌الله اراکی به‌رغم کبر سن، نسبت به امام خمینی رحمه‌الله (هشت سال) به ایشان می‌رسند می‌گوید: «السلام علیک یا بن رسول‌الله» که امام هم در پاسخ می‌گوید: «السلام علیک یا بقیه‌السلف الصالح!»

■ بر مسند «مرجعیت»

آیت‌الله العظمی راکی که سالیان طولانی از شهرت و مرجعیت دوری گزیده بود و مسئله تقلید علاقه‌مندان را از تقوا و تواضع به دیگر علما احاله می‌داد، پس از رحلت امام خمینی (۲۹ شوال ۱۴۰۹ ق) در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، مدرسین حوزه علمیه قم و علمای بسیاری از شهرستان‌ها، مقلّدان حضرت امام خمینی (ره) را به یکی از حضرت آیات عظام گلپایگانی و اراکی ارجاع دادند و این در حالی بود که ۹۷ بهار را پشت سر گذاشته بود. پس از آن «تعلیقه بر عروه‌الوثقی» و مجموعه نظرات فقهی ایشان گردآوری و در مجلداتی به نام‌های «توضیح‌المسائل» (المسائل الواضحه)، مناسک حج، احکام نوجوانان و استفتائات به چاپ رسید و همو بود که پس از انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبری انقلاب و ولایت فقیه، اولین بیانیه حمایت در بین علمای بزرگ را صادر کرد و پس از ارتحال آیت‌الله العظمی گلپایگانی، از ایشان به عنوان «آیت‌الله خامنه‌ای» نام برد.

پس از درگذشت آیات عظام سید ابوالقاسم خویی (صفر ۱۴۱۲ ق) و سید محمدرضا گلپایگانی در جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق، مرجعیت تقلید علی‌الاطلاق که از یک قرن قبل تاکنون سابقه نداشته است در ایشان متعیّن گشت و برترین مرجع تقلید شیعیان جهان به حساب آمدند. عشق به قرآن و ائمه اهل بیت(ع) خصوصاً اباعبدالله الحسین(ع) و علاقه‌مندی به قرائت قرآن که حافظ پنج جزء اول آن بودند، همراه با قرائت روزانه یک جزء (و سه جزء در ماه مبارک رمضان) احترام به سادات و تواضع و فروتنی از ویژگی‌هایی است که در سال‌های مرجعیت نیز مورد توجه وی بوده است. او پس از آنکه مورد رجوع عموم شیعیان قرار گرفت، هیچ‌گونه تغییری در زندگی ساده و محقر خویش به وجود نیاورد و در همان خانه کاه‌گِلی ۴۰ سال قبل ساکن ماند.

■ بر آستان جانان

آیت‌الله العظمی اراکی سرانجام در سن یکصد سالگی در شامگاه دوشنبه هشتم آذرماه ۱۳۷۳ ش (۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۱۵ ق) در ساعت ۲۲:۴۰ در بیمارستان قلب شهید رجایی تهران و در پی یک دوره بیماری و نارسایی عروق قلب درگذشت.

پس از درگذشت آیت‌الله العظمی اراکی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب طی پیامی در مورد ایشان چنین نوشت:

«با تلخکامی و اندوه اطلاع یافتیم که عالم ربانی، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، شیخ‌الفقهاء و المجتهدین، مرجع اعلای شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی اراکی، دار فانی را وداع گفته و جهان تشیع را به سوگ خود نشانیدند. این عبد محسن مُستحن خدا و عالم زاهد و پارسا و این ذخیره گرانبهای الهی در روزگار ما و این بقیه سلف صالح و یادگار اساتید علم و عمل و تقوا از جمله برگزیدگانی بود که عمر طولانی و پربرکت را بی‌کمترین خدشه و شائبه‌ای، در نزاهت و قداست و معنویت به سرآورد راه خدا را با گامی استوار و اراده‌ای خلل‌ناپذیر طی کرد و طی یک قرن دل و جان منور و پاکیزه خود را در برابر جلوه‌های رنگارنگ دنیای فانی، تسلیم‌ناپذیر و تسخیرناپذیر نگاه داشت. در امتحان‌های دشواری که در یک زندگی ۱۰۰ ساله و در حوادث بزرگ و کوچک آن در برابر هر کسی قرار می‌گیرد، مانند کوه استوار و بی‌تزلزل باقی ماند. هرگز به دنیا و مقام و جلال آن نیندیشید و هرگز احساس شخصی، ایشان را از شناختن و پیمودن راه خدا بازنداشت، به سوی شهرت و محبوبیت و مقبولیت قدمی برنداشت و آنگاه که مقدس‌ترین و گرامی‌ترین نوع شهرت و محبوبیت با انتخاب شدن از سوی میلیون‌ها انسان مؤمن به مرجعیت تقلید به سراغ ایشان آمد با آن بسی کریمانه و بزرگ‌منشانه روبه‌رو شد. اگرچه حاجت مردم را برآورد و از آنان در راه خدا دست‌گیری کرده اما خود همان عبد محتاج الهی باقی ماند و دل خاشع و روی پارسای خود را با محبت الهی و ولایت اولیای معظم خدا، بیش از پیش پیوند زد. اکنون آن جان پارسا به ملکوت اعلی پیوسته و آن دامان پاک از عالم ماده برچیده شده است. او از حقیقت (لاخوف علیهم و لا هم یحزنون) برخوردار و به مجاورت ارواح مطهره اولیا و صلحا سرافراز است، ولی جهان تشیع و حوزه‌های علمیه عزا دارند.»

به همین مناسبت هیئت دولت جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۰ آذر ماه را تعطیل رسمی و یک هفته اعلام عزای عمومی نمود و دروس حوزه‌های علمیه نیز به مدت یک هفته تعطیل اعلام شد. مراسم تشییع پیکر آیت‌الله اراکی در ساعت ۱۶ از میدان منیریه تهران تا میدان راه‌آهن با حضور آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و رؤسای قوا و جمعی از مقامات لشکری و کشوری و انبوه عظیم مردم برگزار شد و جهت تشییع و خاکسپاری، جنازه آیت‌الله اراکی را به قم بردند. جنازه آیت‌الله اراکی در قم و در یک اجتماع انبوه در مسیری به طول ۱۰ کیلومتر به سوی مسجد امام حسن عسگری (ع) تشییع شد و پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌الله بهجت و انبوه عظیمی از مردم در حرم حضرت معصومه(س) و خیابان‌های اطراف در مسجد بالاسر صحن مطهر و در جوار حضرات آیات حائری یزدی و گلپایگانی، صدر و خوانساری، به خاک سپرده شد.

■ مرجعیت شیعه پس از آیت‌الله اراکی

با رحلت آیت‌الله اراکی، آخرین مرجع از نسل مراجع بزرگ از علمای اولیه حوزه علمیه قم از دنیا رفت و نسل جدید از مراجع جایگزین آنان شدند. مسئله مهم دیگر آنکه در زمان حضرت امام خمینی (ره) بین رهبری و ولایت فقیه و مرجعیت وحدت به وجود آمده بود، اما بعد از رحلت امام خمینی به علت وجود مراجع بزرگی چون آیت‌الله اراکی و آیت‌الله گلپایگانی و شیخوخیّت آنان، انشقاق بین مرجعیت و رهبری و ولایت فقیه به وجود آمد و دوره سخت تفکیک بین وظایف رهبری جوان و مراجع کهنسال، یکی از دوره‌های بسیار حساس تاریخ انقلاب و مرجعیت شیعه بوده است. با رحلت آیت‌الله اراکی امکان مجدد تطبیق و همانندی مرجعیت و رهبری فراهم آمد، چراکه بعد از ایشان همانند دوره بعد از آیت‌الله بروجردی، فقهای جوان‌تر عهده‌دار مسئولیت مرجعیت شده‌اند و مقدمات انطباق مرجعیت و مقام ولایت که از نظر سنی به تناسب بسیار جوان‌تر بود امکانپذیر شد.

با رحلت آیت‌الله اراکی امکان مجدد تطبیق و همانندی مرجعیت و رهبری فراهم آمد، چراکه بعد از ایشان همانند دوره بعد از آیت‌الله بروجردی، فقهای جوان‌تر عهده‌دار مسئولیت مرجعیت شده‌اند و مقدمات انطباق مرجعیت و مقام ولایت که از نظر سنی به تناسب بسیار جوان‌تر بود، امکانپذیر شد

۱۳۷۰. قم: دیدار رهبر معظم انقلاب با آیت‌الله العظمی اراکی